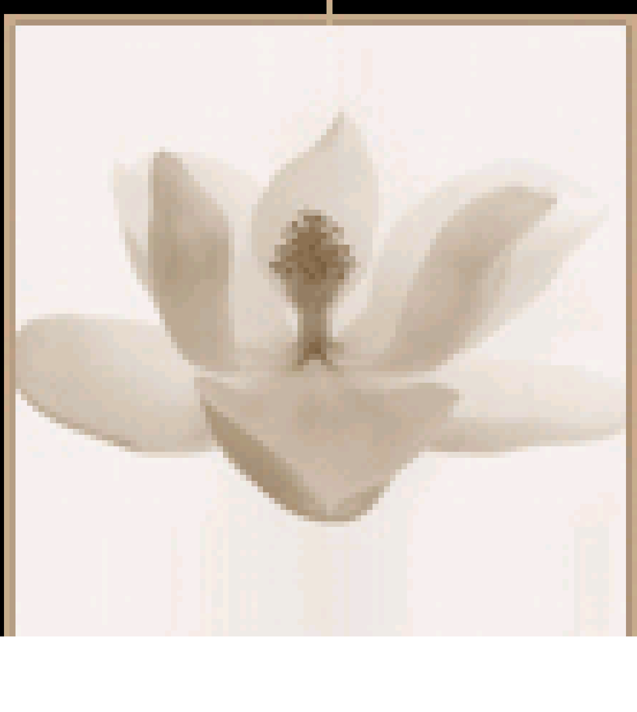
فاطمه (س)
بر کرسی تربیت





محمود مدنی بجستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطمه (س)، بر کرسی تربیت

نویسنده:

محمود مدنی‌بجستانی

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

فاطمه (س)، بر کرسی تربیت ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

مقدمه ----- ۶

الگوی تربیت ----- ۶

اشاره ----- ۶

آغاز تربیت ----- ۶

نامگذاری ----- ۷

توجه به حفظ و سلامت کودک ----- ۸

تساوی در محبت ----- ۸

آموزشهای سیاسی و عبادی ----- ۹

اشاره ----- ۹

آموزش بندگی ----- ۹

آماده‌سازی برای جهاد ----- ۱۰

تشویق به دانش‌آموزی ----- ۱۱

زهرا در جهان حقیقت ----- ۱۲

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۳

فاطمه (س)، بر کرسی تربیت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مدنی‌بجستانی، محمود، ۱۳۴۳- عنوان و نام پدیدآور : فاطمه (س)، بر کرسی تربیت/محمود مدنی‌بجستانی منشا مقاله : زائر ،ش ۱۳۷ ، اردیبهشت ۱۳۸۵ : ص ۸ - ۹ توصیفگر : فاطمه‌زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت ـ ۱۱ق توصیفگر : شیوه زندگی توصیفگر : تربیت توصیفگر : فرزندان

مقدمه

به زندگی پربار اما کوتاه فاطمه (س) از ابعاد گوناگون می‌توان نگریست و از دیدگاههای مختلف به نظاره نشست. آنچه در این نوشتار در پی آنیم «بررسی سیره تربیتی آن حضرت است. به عبارتی دیگر زهرا (س) را بر کرسی مادری و در کلاس خانواده و در خدمت کودکانش می‌نگریم.

الگوی تربیت

اشاره

تربیت (یعنی به فعلیت درآوردن همه استعدادهای بالقوه انسان) کار سترگ پیامبران و علت انگیزش و بعثت آنان است و تنها کسانی می‌توانند به حقیقت این هنر را داشته باشند که از چشمه‌سار زلال نبوت سیراب شده و از مکتب آنان درس گرفته باشند و فاطمه (س) شاخسار درخت نبوت بلکه میوه آن درخت است از این روی در تربیت فرزند بهترین الگو برای هر کسی است که می‌خواهد نقش پدری یا مادری خویش را به طور کامل اجرا کند و بدرستی این وظیفه سترگ بگذارد. اکنون به نمونه‌هایی از آموزه‌های تربیتی زندگی زهرا (س) اشاره می‌کنیم:

آغاز تربیت

نکته بسیار مهمی که بسیاری از پدران و مادران بدان توجه ندارند این است که تربیت کودک و نقش‌پذیری او از نخستین لحظات زندگی او آغاز می‌گردد و کودک از لحظات آغازین تولد، آماده پذیرش نقشها و درسهایی است که از طرف پدر، مادر، نزدیکان و... به او ارائه می‌شود. بسیاری از پدر و مادرها منتظر می‌مانند تا سالیان اولیه زندگی بهر شکلی بگذرد تا در سالیان بعد به تربیت کودکان خود بپردازند اما از دستورات اسلامی و نیز از سیره تربیتی فاطمه زهرا (س) می‌آموزیم که پس از تولد و در اولین فرصتها باید زمزمه توحید در گوش کودکان طنین‌انداز شود. روح هشیار کودک در همان اوان نیز توان درک معارف والا را دارد و این کلمات تاثیر ویژه خویش را بر روح لطیف کودک می‌گذارند. به این نمونه بنگرید: چون هنگام ولادت کودک فاطمه (س) فرا رسید، رسول خدا (ص) به اسماء بنت‌عمیس و ام‌سلمه فرمود: نزد فاطمه بشتابید و چون کودکش به دنیا آمد در گوش راستش اذان گویید و در گوش چپ او اقامه بگویید زیرا با هر کودکی که این گونه رفتار شود از شیطان ایمن می‌ماند. یکی دیگر از این آموزشهای روزهای آغازین زندگی لالایی‌های فاطمه (س) است. لالائی که معمولاـ همراه با در آغوش کشیدن کودک گفته می‌شود بهترین داروی آرامش‌بخش برای روان لطیف کودک است. بدون شک پرآرامش‌ترین لحظات زندگی انسان و آسایش‌مندترین دقایق زندگی همان لحظه‌ها و دقیقه‌هایی است که کودک همراه با آهنگ قلب مادر و با آوای مهرآمیز او

آرام‌آرام به خواب می‌رود اگر در این لحظات درسهای ایمان و معرفت، جهاد و مبارزه و انسانیت و اخلاق به کودک داده شود بدون شک چونان نقشی بر سنگ در ضمیر ناخودآگاه او جای گرفته و سرلوحه زندگی فردای او خواهد بود. اینک به لالایی فاطمه (س) برای کودکش توجه کنید: فاطمه (س) به هنگام حرکت دادن کودکش می گفت: حسن جانم، چونان پدرت علی باش‌و بند از پای حق برگیرخدایی را که بخشنده نعمتها است‌بندگی کن‌و با خطاکاران دوستی منما

نامگذاری

انسان در آغاز زندگی تابلویی را بر دوش می گیرد که تا آخرین لحظات زندگی با آن تابلو و علامت‌شناخته می‌شود و آن نام کودک است. اگر هر کشوری برای معرفی خویش پرچمی ویژه دارد. نام کودک پرچمی است که بر فراز قله شخصیت کودک و در کشور زندگی او برافراشته می‌شود از این روی اسلام بر انتخاب نام زیبا تاکید بسیار کرده است و توجه به معانی و اثرات جانبی اسمها را یادآور شده است. متاسفانه در برخی موارد پدران یا مادران یا حتی خویشان دور و نزدیک بدون توجه به بار فرهنگی اسامی تنها و تنها سعی در اعمال سلیقه و تحمیل پسند خویش نسبت‌به کودک تازه به دنیا آمده دارند و گاه صحنه نامگذاری به میدان کارزاری می‌ماند که هر کسی سعی می کند طرف مقابل را مغلوب ومنکوب کند اکنون به نامگذاری کودکان زهرا (س) دقت کنیم. چگونه او با تمام قدرت علمی و توان معرفتی خویش برای تعیین نام کودک پیشقدم نشده و از علی (ع) می‌خواهد که او نام کودک را تعیین کند و علی (ع) هم بر پیامبر اکرم و پدربزرگ کودکان پیشی نمی گیرد و انتخاب نام کودک را به او واگذار می کند. و چون داوری به رسول خدا واگذار می‌شود، او که شخصیت کودکان فاطمه (س) را شخصیتی ملکوتی و آسمانی می‌بیند برای اسم آنان نیز منتظر سروش غیبی می‌شود. دقت‌کنیم: جابر بن عبدالله انصاری می گوید: چون امام حسن‌مجتبی (ع) متولد شد فاطمه (س) به علی (ع) گفت: یا علی برایش نامی انتخاب کن. علی (ع) فرمود: هرگز به رسول خدا (ص) در نامگذاری فرزندم سبقت نخواهم جست، رسول خدا (ص) وارد خانه فاطمه (س) شد و کودک را گرفت و بوسید و سپس دهان خود را بر دهان او گذارد... سپس در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه آن گاه روی به علی کرده فرمود: چه نامی برایش برگزیده‌ای؟ علی (ع) عرض کرد: هرگز بر شما پیشی نمی گیرم! رسول خدا (ص) فرمود: من نیز بر خدای خویش پیشی نمی گیرم! پس خدا به جبرئیل فرمود: فرود آی و محمد را از جانب ما سلام و تهنیت گوی، و به او بگوی که خدایت می‌فرماید نام فرزند تو همسان نام فرزند هارون (جانشین و برادر حضرت موسی (ع)) باید باشد، پیامبر پرسید: نام پسر هارون چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: شبر. پیامبر فرمود: به عربی چه نامیده می‌شود و جبرئیل پاسخ داد: حسن. پیامبر نام کودک را حسن گذاشت. در جریان نامگذاری حضرت زینب سلام الله علیها هم جریان اینگونه بود. چون زینب به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به سفری رفته بود. فاطمه (س) به علی عرض کرد: یا علی! اسمی برای دخترت برگزین! علی فرمود: فاطمه! صبر کن تا رسول خدا (ص) از سفر برگردد. پس از گذشت‌سه روز پیامبر از سفر برگشت و به خانه فاطمه وارد شد. علی (ع) عرض کرد: ای رسول خدا (ص) خداوند به دخترت فاطمه دختری عنایت کرده است اکنون نام او را برگزین. رسول اکرم فرمود: دخترم نوزادت را بیاور. زینب را به محضرش بردند او را در آغوش گرفت و صورتش را به صورت کوچک زینب نهاد و با صدای بلند گریست؛ تا آنجا که اشک بر گونه‌هایش جاری شد. زهرا (س) گفت: پدر جان چشمانت گریان مباد چرا می گریی؟ پیامبر (ص) فرمود: دخترم این کودک پس از تو و من به مشکلات و امتحانات بسیاری گرفتار خواهد شد و مصیبتهای بزرگی خواهد دید. آنگاه فرمود: اولاد فاطمه فرزندان خودم هستند ولی برای نامگذاری این دختر منتظر سروش آسمانی می‌مانم. در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خدای سلامت می‌رساند و می گوید نام این کودک را زینب بگذار زیرا ما او را در لوح محفوظ زینب نام نهاده‌ایم.

توجه به حفظ و سلامت کودک

یکی از مهمترین دغدغه‌های ذهنی و دلهره‌های همیشگی پدر و مادر حفظ و سلامت کودک است. آنان برای حفاظت و سلامت کودک از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند تا آنجا که گاه سلامت‌خویش را نیز در این راه به خطر می‌اندازند. برای تامین سلامت و حفظ کودک از بیماری‌ها، خطرات و مشکلات راههای مختلفی وجود دارد. پدر و مادر آگاه سعی می‌کنند در کنار توجه به مسائل مهمی همچون رعایت‌بهداشت، تغذیه سالم و کامل، بررسی رشد طبیعی کودک و مواظبت دقیق در مقابل خطرات و حوادث تنها به همین مسائل اکتفا نکنند بلکه برای حفظ و سلامت و سعادت کودک از راههای دیگری هم که اسلام پیشنهاد کرده است، بهره جویند. برخی از این راهها صدقه دادن برای کودک و عقیقه کردن برای اوست. این نکته در زندگی زهرا (س) مورد توجه کامل قرار گرفته است. امام صادق (ع) فرمود: فاطمه زهرا (س) هر دو پسرش را عقیقه کرد و در روز هفتم تولدشان موی سر آنان را تراشید و به اندازه وزن آن پولهای نقره صدقه داد. و در روایتی دیگر اضافه فرمود: فاطمه زهرا (س) حسن و حسین را عقیقه نمود و به خانم قابله‌ای که در تولد آنان کمک کرده بود یک ران گوسفند و یک سکه طلا هدیه داد.

تساوی در محبت

از مهمترین نکاتی که در زندگانی کودکان نقشی بس بااهمیت دارد و گاه رعایت نکردن آن صحنه‌های بسیار دردناک و ناراحت‌کننده‌ای می‌آفریند، تبعیض در محبت‌به کودکان است. برخی پدران و مادران به تصوری ناصحیح، گمان می‌کنند اختیار اظهار احساسات خود و اختیار فرزندان و اموال خویش را دارند و از این روی می‌توانند به هر کس خواستند ببخشند. و از هر که خواستند دریغ کنند. و به هر کس خواستند و به هر مقداری که دلشان خواست اظهار محبت و ابراز احساسات کنند و از این روی به برخی کودکان خود توجه ویژه‌ای می‌کنند، اظهار محبت‌بیشتر، توجه زیادتر، کمک‌های مالی و هدیه‌های فراوان‌تر به برخی کودکان نمونه‌های بارز این تبعیض در محبت است. آنان با این کار تخم دشمنی و کینه و حسادت را در دل پاک کودکان می‌کارند و چه میوه‌های تلخ و ناگوار و چه حاصلی شوم به دست می‌آورند. برخی دیگر از پدر و مادران گمان می‌کنند کودکان توان فهم مسائل ارتباطی و عاطفی را ندارند و نمی‌توانند محبتهای آنان به دیگر کودکان را بفهمند و یا اینکه دل شکسته آنان را می‌توان با هدیه‌ای کوچک به دست آورد از این روی به یکی از فرزندان توجه بی‌حساب و به دیگری بی‌اعتنایی بی‌اندازه می‌کنند و گاه می‌خواهند با هدیه‌ای جبران این بی‌توجهی‌ها و عدم رعایت تساوی در اظهار محبت و ابراز احساسات را بنمایند. آنان نمی‌دانند که هیچ نگاه محبت‌آمیز پدر و مادر به یکی از کودکان از دید تیزبین دیگر فرزندان پنهان نمی‌ماند و اثر سوء بیاد مانده از یک رفتار تبعیض‌آمیز با هیچ هدیه و سرگرمی از ذهن کودک زدوده نمی‌شود. در این رابطه روایات بسیاری رسیده است ما تنها به دو روایت اشاره کرده سپس به این نکته مهم در زندگی زهرا (س) توجه می‌کنیم. امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اکرم (ص) مردی را دید که دو پسر داشت‌یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. رسول اکرم۳ به او اعتراض کرده فرمود: چرا بین آن دو به تساوی رفتار نکردی؟ امام باقر (ع) فرمود: به خدا سوگند برخی فرزندانم را بر روی زانویم می‌نشانم و بسیار به او محبت نموده از او تشکر می‌کنم با اینکه حق با فرزند دیگرم هست ولی برای حفاظت همان فرزند (که حق با اوست) و نیز حفاظت‌سایر فرزندانم این کار را انجام می‌دهم تا برادران آنگونه که با یوسف رفتار کردند با وی رفتار نکنند. یعنی توجه کردن به فرزندی که شایستگی آن را هم دارد (همانند یوسف پیامبر) باعث‌شد دیگر برادران حسادت ورزیده و کینه او را به دل گرفته در چاهش بیندازند.از این روی باید همه فرزندان را احترام کرد، حتی آن را هم که ظاهرا سزاوار احترام و توجه و محبت نیست مورد توجه و نوازش قرار داد. علامه مجلسی می‌گوید: حسن و حسین (علیهما السلام) در کودکی خط می‌نگاشتند. امام حسن (ع) به امام حسین رو کرد و گفت: خط

من از خط تو بهتر است. و امام حسین (ع) گفت: نه بلکه خط من از خط تو نیکوتر است. پس هر دو نزد مادرشان شتافتند و گفتند: مادر، بین ما داوری کن. فاطمه (س) نخواست‌یکی را بر دیگری برتری داده و یکی را برنجاند از این روی گفت: از پدرتان سؤال کنید. آنان نزد پدر آمدند اما امیرالمؤمنین (ع) نیز نخواست‌یکی را برتری دهد و دیگری را آزرده خاطر نماید فرمود: از جدتان رسول خدا (ص) بپرسید. و چون آن دو نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند. او فرمود: من داوری نمی‌کنم... تا اینکه بالاخره بنا شد فاطمه (س) مجددا بین آنها داوری کند در اینجا فاطمه (س) شیوه بسیار زیبا و هنرمندانه‌ای را انتخاب کرد، تا ضمن پایان گرفتن ماجرا هیچکدام ناراحت نشده ضربه عاطفی نبینند. آری فاطمه (س) فرمود: من گردنبندی دارم که دارای چند گوهر است. اکنون بند آن را می‌گشایم و آن گوهرها بر زمین می‌ریزد شما گوهرها را از زمین برگیرید، هر کس تعداد بیشتری گوهر بدست آورده باشد خط او نیکوتر است... و در روایتی دیگر این جریان اینگونه بازگو شده است: پیامبر اکرم (ص) در مسجد نشسته بود که حسن و حسین (علیهما السلام) وارد شدند و امام حسن (ع) اظهار داشت: پدر بزرگ! من و برادرم حسین کشتی گرفتیم ولی هیچکدامان بر دیگری پیروز نشد اکنون می‌خواهیم بدانیم نیروی کدامیک از ما بیشتر است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای عزیزان من دو پاره جگرم کشتی سزاوار شما نیست. بروید و خط بنگارید. هر کدام خط او نیکوتر باشد، نیرو و توان او نیز بیشتر خواهدبود. آن دو رفتند و هر کدام سطری نگاشته آمدند و نوشته‌های خود را به پیامبر دادند تا بین آنها داوری کند. ولی پیامبر نخواست دل آنان را بشکند از این روی گفت‌به سراغ پدرتان بروید. علی (ع) نیز نخواست آنان را آزرده خاطر سازد و آنها را به سراغ فاطمه (س) فرستاد. فاطمه (س) به خاطر رعایت عواطف کودکانه آنان و نیازردن آنها پیشنهاد کرد رشته گردنبند خود را بگشاید و آنان گوهرهای آن را برگیرند هر کدام گوهر بیشتری به دست آورد برنده مسابقه اعلام شود...

آموزشهای سیاسی و عبادی

اشاره

انسان باید از سویی رسم بندگی بیاموزد، تا حق حق‌تعالی گذارد و از طرفی برای خدا به خدمت‌به خلق بپردازد تا وظیفه سترگ اجتماعی خویش را به انجام برساند و از اصلی‌ترین وظایف پدر و مادر آموزش کودکان و آماده ساختن آنان برای انجام دادن این دو وظیفه بزرگ است.

آموزش بندگی

اگر چه عبادت وظیفه بالغان و مکلفان است ولی کودکان نیز نباید از این فیض محروم بمانند بلکه باید در سنین خردسال با عبادت و راز و نیاز و شب‌زنده‌داری آشنا شده برای این امور آماده شوند. پدران و مادرانی که تنها به خورد و خواب و کفش و لباس کودکانشان می‌اندیشند و به تغذیه روحی و اشباع بعد معنوی آنان توجه نمی‌کنند هرگز فرزندانی کامل و صالح تحویل جامعه نخواهند داد و روح سوخته و تشنه‌کام فرزندانشان از این نگرش یک‌سویه آنان به خدای شکایت‌خواهد برد. پدر و مادر در ضمن اینکه خود اهل عبادت و نیایش و شب‌زنده‌داری هستند باید کودکان خویش را با بهترین شیوه‌ها و مناسبترین روشها به این سوی هدایت کنند. از این رو در روایات اسلامی دستور داده شد که به هنگام راز و نیاز شبانه و عبادت کودکان را بیدار کنید تا آنان از نگاه به عبادت و تضرع و زاری پدر و مادر درسهای فردا را فرا گیرند. ما در نمونه‌هایی از روایات مشاهده می‌کنیم که کودکان فاطمه (س) شاهد عبادتها و شب‌زنده‌داریهای مادر بوده‌اند. امام حسن مجتبی (ع) می‌گوید: شب جمعه‌ای مادرم را دیدم که در محراب عبادت ایستاده بود و هماره در رکوع و سجود بود تا سپیده دمید، در تمام این مدت می‌شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات

دعـا می‌کرد و آنـان را نـام می‌برد و هیچگـاه برای خودش دعـا نکرد. به او گفتم: مادر جان چرا برای خودت دعا نکردی و همه‌اش برای دیگران دعـا نمـودی؟! فرمود: فرزنـدم اول همسـایه سـپس خـانواده. در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم که زهرا (س) چگونه کودکـان خویش را به عبـادت و شب‌زنـده‌داری وا می‌دارد. امیرمؤمنـان علی (ع) فرمود: شب قـدر را دهه آخر مـاه مبـارک رمضان بجوییـد... چون دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید پیامبر بستر را نمی‌گسترد و کمر همت (برای عبادت) را محکم می‌نمود و چون شب بیست و سوم فرا می‌رسـید خانواده‌اش را بیدار می‌کرد و (هر گاه خوابشان می‌گرفت) به صورتشان آب می‌پاشـید. و زهرا (س) در این شـب نمی‌گـذاشت هیـچ یـک از افراد خـانواده‌اش بـه خـواب رونـد و آنـان را بـا خورانـدن غـذای کمـتر برای این شب‌زنـده‌داری آمـاده می‌ساخت و خود از روز بیست و دوم برای شب‌زنده‌داری شب بیست و سوم مهیا می‌شد و می‌فرمود: محروم (واقعی) کسی است که از خیر امشب محروم شود.

آماده‌سازی برای جهاد

اسلام اگر چه به لطافتهای معنوی و روحی و عرفانی توجه بسیار کرده است و از عشق و محبت و صلح و صفا بسیار سخن گفته و به آن دعوت نموده است، امـا مسـلمان یـک بعـدی و فاقـد غیرت دینی را نمی‌پسـندد. اسـلام در کنـار نماز، جهاد را مطرح می‌کنـد و می‌گویـد: آنکـه جهـاد نکرده و یـا خـویش را برای آن آمـاده نسـاخته است چـون بمیرد به گـونه‌ای از نفـاق بمیرد. انسـان مسـلمان همانگونه که خویش اهل جهاد و دفاع از ارزشـهای دینی است‌باید فرزندان خود را هم مبارز و غیور و دارای شهامت دفاع از آرمان و عقیده بپروراند. در صـحنه مسؤولیتهای اجتماعی و جهاد و تلاش برای حفظ اسلام فاطمه (س) را می‌بینیم که در دوران مصیبت‌بار و انـدوه‌خیز پس از پیامبر یک تنه در مقابل انحراف حکومت ایسـتاده است و در این راه فرزنـدان خردسال خویش را هم در کوران این مبـارزه و کـانون داغ این کوره ملتهب قرار داده و آنـان را به خـط مقـدم جبهه مبـارزه علیه جهـالت مسلط و فرمـانروایی نـابحق می‌برد. سـلمان می‌گویـد: (پس از رحلـت رسـول خـدا (ص) و بیعت‌سـقیفه) چـون شب می‌شـد علی (ع) فـاطمه را سـوار بر مرکـبی می‌کرد و در حالی که دست‌حسن و حسـین را گرفته بود به در خانه تمامی مبارزان بدر - از مهاجرین و انصار - می‌رفت و علی (ع) حقانیت‌خویش را برایشان بیان می‌کرد و آنان را به یاری خود می‌خوانـد ولی جز چهل و چهار نفر به او پاسخ مثبتی نمی‌دادند. علی (ع) به همین عده (چهل و چهار نفر) فرمان می‌داد که صـبحگاهان با سـلاح در حالی که سـرهای خود را تراشـیده باشند برای بیعت کردن برای شـهادت حاضـر شوند ولی در پگاه جز چهار نفر حاضـر نمی‌شدند و این جریان سه شب تکرار شد و چون علی (ع) این بی‌وفایی را دید در خانه نشـست... و آن گاه که همه راههای مبارزه را بر روی فاطمه (س) بستند او دست‌به مبارزه‌ای منفی با سلاح اشـک و گریه زد. او بـا گریه خویش و اظهـار ناراحتی از وضـعیت موجود به بهترین وجه، پرده تزویر را از چهره حکومت غاصـبانه دریـد و نارضـایتی خانـدان پیـامبر را بارها اعلام نمود. در این مبارزه نیز کودکان فاطمه در کنار اوینـد. با اینکه معمولا مادران گریه خود را از کودکانشان پنهان می‌کننـد ولی او حسن و حسـین (علیهما السـلام) را همراه شاهد و ناظر گریه خویش می‌گیرد و آنان را همه جـا می‌برد تـا درس شـهامت، شـجاعت، مبارزه بیاموزنـد و مظلومیت و غربت دین خـدا و ولی خـدا علی (ع) را با تمامی وجود خویش درک کنند و خود را آماده کنند تا در موقع لازم و بصورت مناسب و به شـیوه صـحیح به یاری او بشـتابند. ابتدا فاطمه، شهر مـدینه و کنار گورسـتان بقیع را میـدان مبارزه خویش با بدعتها و تحریفها و غصب خلافت قرار داد و حسـنین در اینجا در کنار مادر بودند. علامه مجلسـی می‌نگارد: پس از شـکایت‌بزرگان مدینه از گریه‌های زهرا (س) امیرالمؤمنین (ع) در بیرون مدینه در کنار بقیع خانه‌ای برای زهرا بنا کرد که آنرا «خانه اندوه (بیت الاحزان) می‌نامیدند چون صـبحگاهان فرا می‌رسید زهرا در حالی که گریان بود حسن و حسـین (علیهما السـلام) را پیشاپیش فرستاده، خود از پشت‌سر آنان حرکت می‌کرد و به بقیع می‌رفت و همراه گریه می‌کرد. تـا آنکه شب فرا می‌رسـید. در آن هنگـام علی (ع) به بقیع می‌رفت و آنهـا را به خـانه بـاز می‌آورد. و زمـانی نیز فاطمه زهرا (س) به

دیدار شهدای احد و عمویش حمزه می‌رفت و آنجا به گریه سیاسی خویش می‌پرداخت و پرده‌های دروغ و خیانت و تزویر حاکم را می‌درید. شاید در این سفرها هم کودکان را به همراه داشت. و چون فاطمه زهرا برای اعتراض به غصب فدک و آشکار ساختن چهره سلطه غاصبانه حکومت‌به مسجد رفت و با خطبه‌ای شگفت‌به دفاع از حق خویشتن و حق ولایت پرداخت آنگونه که همه حاضران را به گریه واداشت. باز دختر خردسالش زینب همراه او بود و این خطبه را به تمام و کمال برای آیندگان ضبط کرده و نقل فرمود. و هنگامی که حاکمان غاصب از فاطمه (س) گواه خواستند تا بر ادعای او نسبت‌به فدک شهادت دهد او دو کودک خود را به عنوان گواه به بیدادگاه آنان آورد و آن دو شهادت دادند اگر چه شهادت دو سرور جوانان بهشت، و امیرمؤمنان و ام ایمن (زنی که به شهادت همه مسلمانان پیامبر به بهشتی بودن او شهادت داده بود) هرگز حقی را ثابت نکرد و به نفع زهرا (س) حکمی صادر نشد. و باز در همین جریان اعتراض به غصب فدک فاطمه و علی (ع) برای اتمام حجت در خانه تمام مهاجران و انصار می‌روند و آنان را به یاری می‌خوانند ولی کسی آنان را یاری نمی‌کند و در این استمداد شبانه حسن و حسین هماره همراه فاطمه و علی (علیهما السلام)اند. امام صادق (ع) می فرماید: فاطمه (س) پس از پیامبر هفتاد و پنج روز بزیست و هرگز خوشحال و خندان دیده نشد. او هر هفته دوشنبه و پنجشنبه، سراغ قبور شهدای (احد) می‌آمد. و در این سفرها شرح مبارزات نبرد احد را بیان می‌کرد و می‌گفت: در این جا رسول خدا ایستاده بود و در این مکان مشرکان ایستاده بودند. و تا هنگام شهادت در آنجا نماز می‌گذارد و دعا می‌کرد. و ثقهٔ المحدثین قمی از شیخ مفید نقل می‌کند که: فاطمه زهرا (س) پس از رحلت پیامبر (ص) هر صبح و شام به زیارت قبر حمزه می‌آمد. فردی به نام محمود بن‌لبید می‌گوید: پس از رحلت رسول خدا (ص) فاطمه (س) به سراغ قبر شهدا و قبر حمزه می‌آمد و آنجا می‌گریست. در یکی از روزها او را در کنار قبر شهدا دیدم به محضرش آمده او را سلام گفتم و عرض کردم ای سرور زنان بخدا سوگند رگ قلبم را با این گریه‌هایت‌بریدی. فاطمه (س) فرمود: مرا شایسته است که اینگونه بگریم که پدری مثل رسول خدا را از دست داده‌ام... سپس مفصل به مسائل سیاسی روز پرداخته و جریان غصب خلافت را توضیح داد و با عبارتهایی بسیار زیبا و آهنگین و همراه با استدلال به آیات قرآن و سنت رسول الله حقانیت امیرالمؤمنین را بر وی اثبات نمود. البته اثر این تربیت‌سیاسی را به خوبی در زندگی کودکانش می‌بینیم که چگونه بزودی همین راه مادر را ادامه داده به غاصبان خلافت اعتراض می‌کنند. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: روز جمعه‌ای ابوبکر بر منبر بالا رفت تا خطبه بخواند امام حسین (ع) برخاست و فرمود: این جایگاه پدر من است نه جایگاه پدر تو. ابوبکر گریست و گفت: آری منبر از آن پدر توست و پدر مرا منبری نیست. در خلافت عمر نیز امام حسین (ع) در وسط سخنان عمر بپا خاست و فریاد زد: ای دروغگو از منبر پدرم رسول خدا (ص) فرود آی این منبر پدر تو نیست. عمر گفت: آری به جان خودم سوگند این منبر آن پدر توست و پدر مرا منبری نیست. آیا این سخنان را پدرت علی به تو آموخته است؟ امام حسین (ع) فرمود: اگر آنچه را پدرم بفرماید، فرمان برم او هدایتگر و من هدایت‌شده خواهم بود. بیعت‌با پدرم که جبرئیل آن را از جانب خدای فرود آورد بر گردن این مردمان است و آن را انکار نمی‌کنند مگر آنکه منکر کتاب خدا باشند. این مردم با قلبهاشان بدان یقین دارند و با زبانشان انکار می‌ورزند وای بر آنان که حق ما اهل بیت را انکار می‌کنند چگونه با رسول خدا (ص) روبرو خواهند شد با خشمی مداوم و عذابی‌شدید. ... عمر به شدت خشمگین شد. با گروهی به خانه امیرالمؤمنین (ع) آمد و به حضرت اعتراض کرده گفت: حسین، اراذل و اوباش مدینه را بر علیه من می‌شوراند امام حسن (ع) که حاضر بودفرمود: آنکه حق حکومت ندارد بر حسین فرزند رسول خدا (ص) خشم می‌گیرد و همکیشان خود را (مسلمانان را) اراذل و اوباش می‌نامد به خدا سوگند تو جز با همدستی اوباش و اراذل به این مقامات نرسیدی پس خدای لعنت کند آنکس را که اوباش و اراذل را شوراند...

تشویق به دانش‌آموزی

برای کمال انسان ضروری‌ترین شرط، دانش‌آموزی و به دست آوردن اندوخته‌های ارزشمند علمی است و برای دریافت دانش‌ها و بینشها مهمترین راه چشم و گوش است. بیشترین آموخته‌های انسان از راه گوش و چشم فراچنگ می‌آید. بنابراین آموختن به کودک که شنونده خوبی باشد در حقیقت گشودن راههای دانش به سوی اوست. و نیز بازخواست کردن دانشهای آموخته همراه با محبت‌بی‌شائبه و اظهار عواطف خالصانه مادری بهترین راه شکوفا کردن استعداد کودکان است. فاطمه (س) کودکانش را به محضر رسول خدا (ص) می‌فرستاد تا از دریای دانش متصل به وحی و علم مطلق الهی رسول خدا (ص) استفاده برند و باز از آنان بازمی‌خواست که آنچه را آموخته‌اند بازگو کنند به جریان زیر دقت‌کنید: امام حسن مجتبی علیه السلام هفت‌ساله بود که در جلسات رسول خدا (ص) شرکت می‌جست و آنچه را از وحی بیان می‌کرد به خاطر می‌سپرد. آنگاه به حضور مادرش می‌آمد و آنچه را به خاطرسپرده بود برای مادر بازگو می‌نمود. چون امیرالمؤمنین (ع) به خانه می‌آمد، می‌دید فاطمه (س) از آنچه امروز به پیامبر اکرم وحی شده است و آن را در مسجد بازگفته است‌با خبر است. شگفت‌زده می‌پرسید: از کجا این مطالب را می‌دانی. با اینکه در جلسات رسول خدا (ص) حضور نداشتی. فاطمه زهرا (س) می‌فرمود: فرزندت حسن، برایم نقل می‌کند. روزی امیرمؤمنان (ع) در خانه پنهان شد تا جریان بازگو کردن سخنان پیامبر (ص) توسط امام حسن (ع) را ببیند در این هنگام امام حسن به خانه وارد شد و شروع به سخن گفتن کرد ولی دچار لکنت زبان شد مادر شگفت‌زده شد که هیچ گاه این چنین نبودی. امام حسن پاسخ داد: مادر تعجب نکن زیرا بزرگمردی به سخنانم گوش فرا می‌دهد و بدین واسطه است که دچار لکنت زبان شدم. علی (ع) از مخفی‌گاه خود خارج شد و امام حسن (ع) را بوسید. او کودکانش را به گونه‌ای تربیت کرد که دخترش زینب سلام الله علیها روایات بسیاری را که از مادرش زهرا شنیده بود برای ما نقل کرده است و امروز روایات او بخشی ارزشمند از فرهنگ غنی شیعی به شمار می‌رود. همه می‌دانیم مدت زندگی فاطمه زهرا (س) بسیار کوتاه بود و از سویی دیگر اخبار و گزارشهای همین زندگی کوتاه را هم دست‌سیاست غاصبانه نگذاشت منتشر شود. به قول‌دانشمندی: فضایل این خاندان را دوستان از ترس پنهان کردند و دشمنان از حسد بازگو ننمودند اما با این همه آنچه به دست مردمان رسیده، بوی دل‌انگیزش دنیا را عطرآگین کرده و مشرق و مغرب را فرا گرفته است. ما برخی از آثار و روایاتی که در زمینه سیره تربیتی فاطمه (س) بدست ما رسیده بود بررسی کردیم ولی بررسی کاملتر آن را باید در فرآورده‌های این تربیت جستجو و نظاره کرد. آری، تمام عظمتها و شکوههایی که به بهترین صورت در زندگی فرزندان فاطمه (س) متجلی است نشانگر تربیت تابناک و دامان پاك و آموزه‌های گرانارج فاطمه (س) است. به این خانه گلین کوچک بنگرید. چه کسانی را به جامعه تحویل داده است. حسنین (حسن و حسین علیهماالسلام) زینبین (زینب و ام‌کلثوم سلام الله علیهما) دو مردی که قلم و بیان از ترسیم شکوه صلح و جنگ آنان و دستیابی به فراز قله‌های دانش و بینش آن دو و بلندای چکاد اخلاق آنها ناتوان است‌بلکه پرنده تیزپرواز و بلندگرای اندیشه را نیز یارای رسیدن به بلندای آن نیست. و دو زنی که «مردانگی در رکابشان جوانمردی آموخته و در غروب سیاه تمامی ارزشهای انسانی فریاد رسای آن دو تاریکزار بی تپش توده‌های مردم کوفه و شام را به حرکت و هیجان و شور و شعور و شعار واداشته است. در میادن معنویت و صفا و عرفان نیز چشم عارفان روزگار را خیره و اندیشه عابدان اعصار را سرگردان و متحیر نموده‌اند. آری همه آن عظمت‌ها مدیون تربیت فاطمه (س) و ریشه در پرورش نیکوی او دارد. از این رو در با شکوه‌ترین نمایش حق و باطل و در رساترین و گیراترین و زیباترین هماوردی نور با سیاهی و تباهی و فضیلت‌کشی - در عاشورا - تک سوار میدان، همه این شکوهها و عظمتها و اوجها را مرهون دامان پاك فاطمه می‌داند و می‌گوید: هیهات منا الذلهٔ... زبونی، خواری، پستی از پیرامون ما به دور است (ما و ذلت هرگز) خدای و پیامبر و مؤمنان و آن دامنهای پاك و پاکیزه‌ای که ما را پرورانده است از ذلت ما پروا دارند و ما را خوار و زبون نمی‌پسندند.

زهرا در جهان حقیقت

اکنون این مختصر را با روایتی به پایان می‌بریم که پرده‌ای دیگر از شکوه هوش ربای فاطمه (س) را باز گو می کند. آری فاطمه که تربیت را از محضر وحی آموخته و در دنیای تربیت‌بهترین نمونه‌های ادب و تعالی را پرورانده و در این مرحله بهترین شاگرد و برترین معلم بوده است. در جهان حقیقت و زندگی جاودان آخرت نیز از جانب خدای بزرگ عهده‌دار همین مسؤولیت است اما این بار نه در محدوده خانه و کودکان خود بلکه تمامی کودکان شیعیانش و دوستدارانش شاگردان مکتب تربیتی اویند و سر بر دامان محبت این مادر می گذارند توجه کنید. ءابوبصیر می گوید: امام صادق (ع) فرمود: کودکان شیعیان ما را]در عالم برزخ[فاطمه زهرا (س) تربیت می کند و در روز قیامت‌به پدرانشان تحویل می‌دهد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹